

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

پرسش و پاسخ‌های جرایم

کلاهبرداری

انتقال مال غیر

تحصیل مال از طریق نامشروع

توحیدزنیا

وکیل پایه‌یک دادگستری



عنوان و نام پدیدآور	عنوان فاردادی	سرشناسه
بررسی و پاسخ‌های جرائم (کلاهبرداری، انتقال مال غیر تحصیل مال نامشروع)	ایران، قوانین و احکام (Iran, Laws, etc)	زینالی، توحید، ۱۳۶۳ - گردآورنده
مؤلف توحید زینالی؛ گروه بزوہشی انتشارات چراغ دانش		
تهران: چراغ دانش، ۱۳۹۵.	مشخصات ظاهري	مشخصات نشر
۰۲۱۴	مشخصات ظاهري	مشخصات نشر
۹۷۸-۶۰۰-۴۴۳-۰۷۵-۲	شابك	
فیبا	وضعیت فهرست نویسی	
کتابخانه‌ها: ۲۴۱	یادداشت	
رویه قضائی — ایران — پرسش‌ها و پاسخ‌ها (عالی)	موضوع	
Jurisprudence -- Iran -- Question and answer(Higher)	موضوع	
حقوق مدنی — ایران — پرسش‌ها و پاسخ‌ها (عالی)	موضوع	
Civil law -- Iran -- Questions and answers (Higher)	موضوع	
جرائمی — ایران — پرسش‌ها و پاسخ‌ها (عالی)	موضوع	
Criminal investigation -- Iran -- Question and answer(Higher)	موضوع	
رد پندی کنگره ۱۳۹۵۴۴۰- KMII	رد پندی کنگره	
۵۵۳۴۹	رد پندی دبوبی	
۴۴۸۶۵۷۲	شماره کتابشناسی ملی	

### شناسنامه

عنوان کتاب: پرسش و پاسخ‌های کلاهبرداری - انتقال مال غیر - تحصیل مال از طریق نامشروع

مؤلف: توحید زینالی

ناشر: انتشارات چراغ دانش

ناظر چاپ: رسول زینالی

نوبت چاپ: اول اوپرایش دوم/ ۱۳۹۷

قطع و تیراز: وزیری / ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۱۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۳-۰۷۵-۳

کد کتاب: ۳۵۱

چراغ دانش را در گوگل جستجو کنید.

[www.cheraghdanesh.com](http://www.cheraghdanesh.com)

دفتر مرکزی: تهران، میدان هفت سین، ورودی مدرس، کوچه مازندرانی، پلاک ۴، طبقه ۳ و ۶ واحد های ۷ و ۱۴

تلفن پخش و فروش: ۰۲۱-۸۸۱۴۰۶۰۱

حق چاپ برای انتشارات چراغ دانش محفوظ است. هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، فایل الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز کتبی از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد.

## فهرست کلی

۹ .....	مقدمه
۱۱.....	پرسش و پاسخهای جرم کلاهبرداری
۹۹.....	پرسش و پاسخ های انتقال مال غیر
۱۶۷.....	پرسش و پاسخهای جرم تحصیل مال از طریق نامشروع
۱۷۹.....	پرسش و پاسخ های جرایم در قوانین و مقررات
۱۹۹ .....	منابع و مأخذ

## فهرست جزئی

۹ .....	مقدمه
۱۱.....	پرسش و پاسخهای جرم کلاهبرداری
۱۳ .....	مبحث اول: جرم کلاهبرداری در نشستهای قضائی
۱۳.....	۱. در حکم کلاهبرداری بودن بزه انتقال مال غیر
۲۳.....	۲. جعل عنوان داروخانه و خریداری دارو
۲۶.....	۳. کلاهبرداری تلقی شدن ترهین ملک پس از فروش آن با سند عادی به دیگری
۲۸.....	۴. کلاهبرداری از طریق اخذ سند رسمی برای ملکی که در تصرف دیگری است
۲۹.....	۵. اطلاق کلاهبرداری به خرید مال از طریق چک غیر بدون ظهرنویسی
۳۱.....	۶. بررسی وقوع عقد فضولی از لحاظ نحوه اقامه دعوا و اعمال کیفیات مخففه مجازات در بزه کلاهبرداری
۳۴.....	۷. خرید مال با چک متعلق به دیگری
۳۵.....	۸. دریافت چک از شخص دیگر با توصل به وسائل مقلبلانه
۳۷.....	۹. تعیین جزای نقدی برای اشخاص متهم به تحصیل وجود و اموال زیاد
۳۸.....	۱۰. محدودیت تعیین مجازات کمتر از حداقل در جرائم در حکم کلاهبرداری
۳۹.....	۱۱. میزان مجازات نقدی در کلاهبرداری متعدد
۴۱.....	۱۲. تحقق کلاهبرداری در تحصیل کوپن و عدم تحويل اجناس کوپنی
۴۲.....	۱۳. اثر گذشت شاکی خصوصی در کلاهبرداری
۴۴.....	۱۴. اثر رضایت شاکی در تخفیف مجازات جرم کلاهبرداری
۴۵.....	۱۵. جواز تخفیف جزای نقدی در جرم کلاهبرداری
۴۶ .....	۱۶. عدم تحقق کلاهبرداری با تسليم چک و تحصیل اموالی از این طریق

۱۷. تأثیر لفظ و لحن کلام در تحقق جرم کلاهبرداری .....	۴۹
۱۸. نحوه استرداد مال تحصیل شده از راه کلاهبرداری .....	۵۱
۱۹. معاون در جرم کلاهبرداری .....	۵۳
۲۰. جعل امضا برای ارتکاب جرم کلاهبرداری .....	۵۵
۲۱. جرائم کلاهبرداری و در حکم آن .....	۵۶
۲۲. دست کاری در مبلغ چک مصدق جعل است یا کلاهبرداری .....	۵۸
۲۳. شبیه سازی در جعل و شروع به کلاهبرداری .....	۵۹
۲۴. جعل و شروع به کلاهبرداری .....	۶۱
۲۵. کلاهبرداری تلقی شدن خرید و فروش چک های مسافرتی با علم به مجعل بودن آن ها .....	۶۴
۲۶. تحقق جعل و کلاهبرداری در صورت تغییر محل اقامت شرکت در کارت شناسایی .....	۶۶
۲۷. کلاهبرداری محسوب شدن امضا و استفاده از چک متعلق به غیر با وجود عدم شباهت امضا .....	۶۷
۲۸. کلاهبرداری محسوب شدن ارائه دسته چک به زوج با مدارک زوجه .....	۶۸
۲۹. انگیزه شاکی در تتحقق جرم کلاهبرداری .....	۷۰
۳۰. اخذ مال با توصل به عملیات متنقلانه .....	۷۱
۳۱. کلاهبرداری در خرید و فروش اشیای عتیقه .....	۷۳
۳۲. فدان عنوان جزایی برای ثبت قسمت مرغوب ملک مشاع به وسیله یکی از شرکاء .....	۷۴
۳۳. اعمال تخفیف در بزه کلاهبرداری با توجه به تبصره ۱ ماده ۱ قانون تشديد مجازات مرتکبين ارتشا، .....	۷۵
۳۴. توصل به وسائل متنقلانه برای ابراء ذمه .....	۷۶
۳۵. الصاق عکس به شناسنامه بدون عکس دیگری و استفاده از آن .....	۷۷
۳۶. مشارکت در کلاهبرداری به قصد دریافت خسارت از شرکت بیمه .....	۷۸
۳۷. مال اندوزی از طریق فریب افراد با وعده رسیدن به گنج .....	۷۹
۳۸. امضای چک متعلق به دیگری بدون اذن او و انجام معامله با آن .....	۸۱
۳۹. منوعیت اعمال تخفیف مجازات موضوع ماده ۲۷۷ قانون آینین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب در جرم کلاهبرداری با وجود رضایت شاکی .....	۸۳
<b>مبحث دوم: جرم کلاهبرداری در نظریات مشورتی .....</b>	<b>۸۵</b>
۱. تقلب در قمار .....	۸۵
۲. کلاهبرداری بودن دریافت وجه غیر مستخدم دولت برای انجام امری .....	۸۵
۳. جرم بودن یا جرم نبودن عمل ارتکابی .....	۸۶
۴. جرم بودن اخذ سود بیش از صدی دوازده در معاملات .....	۸۷
۵. غیر قابل گذشت بودن جرم کلاهبرداری .....	۸۸
۶. انتقال مال مشاع .....	۸۸

۷. استفاده از ارز با ریز نمرات مجمعول .....	۸۹
۸. خروج ارز با برگ خرید غیرواقعی .....	۸۹
۹. تشخیص جرم کلاهبرداری از سایر جرائم .....	۹۰
۱۰. تعلیق تعقیب جرائم ارتشه و اختلاس و کلاهبرداری .....	۹۰
۱۱. تعلیق مجازات کلاهبرداری .....	۹۱
۱۲. جزای نقدی در مورد کلاهبرداری به عنوان تخفیف مجازات .....	۹۱
۱۳. خرید مال حاصل از کلاهبرداری یا مال امانی .....	۹۲
۱۴. کلاهبرداری از دولت .....	۹۲
۱۵. امکان قرار دادن درجات مختلف در یک جرم .....	۹۳
۱۶. مرور زمان در جرم کلاهبرداری .....	۹۳
۱۷. مطلق نبودن قانون جدید اخف از قانون سابق .....	۹۴
۱۸. مصادیق جرم کلاهبرداری .....	۹۵
۱۹. ملک ارزش مال در زمان وقوع جرم .....	۹۶
۲۰. تحقق جرم کلاهبرداری در جرائم و مجازات آن .....	۹۷
۲۱. عدم جواز صدور قرار بازداشت موقت در خصوص ارتکاب جرائم متعدد تعزیری .....	۹۷
۲۲. انجام چند فقره جرم کلاهبرداری .....	۹۸
<b>پرسش و پاسخ های انتقال مال غیر .....</b>	<b>۹۹</b>
<b>مبحث اول: جرم انتقال مال غیر در نشستهای قضائی .....</b>	<b>۱۰۱</b>
۱. بررسی موردی از بزه انتقال مال غیر .....	۱۰۱
۲. مجازات راشی از باب انتقال مال غیر .....	۱۳۱
۳. عنوان جزایی معرفی شخص دیگری به جای متوفا و امضای سند به جای او .....	۱۲۲
۴. تأثیر اعلام گذشت شاکی در بزه انتقال مال غیر .....	۱۲۴
۵. اثبات احراز سوءنیت در انتقال مال .....	۱۲۵
۶. طرح دعوای ابطال سند در فروش مال غیر .....	۱۲۸
۷. توافق با شهرداری نسبت به ملک غیر .....	۱۴۰
۸. عنوان جزایی فروش مال امانی توسط امین .....	۱۴۱
۹. فروش جهیزیه توسط زوج بدون اجازه زوجه .....	۱۴۲
۱۰. عنوان مجرمانه فروش اموال امانی .....	۱۴۵
۱۱. وجه تمایز معامله معارض و فروش مال غیر .....	۱۴۶
۱۲. مجازات انتقال مال غیر با سند رسمی .....	۱۴۸
۱۳. نحوه استرداد مال مورد انتقال در جرم انتقال مال غیر .....	۱۴۹

۱۴. حق شکایت انتقال گیرنده (خریدار) مال غیر در مقام شاکی خصوصی .....	۱۵۱
۱۵. فروش مال غیر با توجه به مقررات قانون ثبت استناد و املاک .....	۱۵۲
۱۶. ادغام مجازات کلاهبرداری و معامله معارض .....	۱۵۳
۱۷. صدور حکم در دادگاه جزایی در باب ابطال سند .....	۱۵۴
۱۸. ابطال سند و رسیدگی حقوقی در مورد انتقال مال غیر .....	۱۵۵
<b>بحث دوم: جرم انتقال مال غیر در نظریات مشورتی .....</b>	<b>۱۵۷</b>
۱. انتقال مال غیر .....	۱۵۷
۲. قابل گذشت یا غیر قابل گذشت بودن انتقال ملک غیر .....	۱۵۷
۳. انتقال مفروض در ملک مشاعی توسط یکی از شرکا .....	۱۵۸
۴. فروش مال مشاع .....	۱۵۸
۵. نسخ قانون انتقال مال غیر ۱۳۰۲ توسط قانون ۱۳۰۸ .....	۱۵۹
۶. فروش مال غیر به عنوان مال خود .....	۱۵۹
۷. انتقال مال غیر بودن فروش مال مسروقه .....	۱۶۰
۸. انتقال مال غیر بودن، انتقال مجازی ماترک متوفی، توسط احد ورثه بدون اجازه سایر وراث .....	۱۶۰
۹. انتقال مال غیر به موجب سند رسمی صدور قرار اناطه .....	۱۶۰
۱۰. انتقال مال غیر و مجازات آن .....	۱۶۱
۱۱. انتقال مال غیر و حاله .....	۱۶۱
۱۲. مرور زمان در جرم انتقال مال غیر بر اساس ماده ۱۰۹ ق.م.ا .....	۱۶۳
۱۳. بیع فاسد بودن انتقال مال غیر و نحوه رد مال .....	۱۶۳
۱۴. رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد .....	۱۶۶
<b>پرسش و پاسخهای جرم تحصیل مال از طریق نامشروع .....</b>	<b>۱۶۷</b>
<b>بحث اول: جرم تحصیل مال از طریق نامشروع در نشستهای قضائی .....</b>	<b>۱۶۹</b>
۱. تحصیل مال نامشروع از طریق سرقت مهر بانک .....	۱۶۹
۲. تحصیل مال نامشروع از طریق سوء استفاده از سفید مهر .....	۱۷۰
۳. تحصیل مال نامشروع با صحنه‌سازی .....	۱۷۱
۴. تحصیل مال یا وجه که فاقد مشروعيت قانونی نباشد .....	۱۷۲
۵. تحصیل مال نامشروع به وسیله تبانی کارگر مغازه و خریدار در فروش آهن آلات با توصل به محو تخریب استناد معامله .....	۱۷۴
<b>بحث دوم: جرم تحصیل مال از طریق نامشروع در نظریه‌های مشورتی .....</b>	<b>۱۷۷</b>
۱. تحصیل مال نامشروع از طریق واریز اشتباه وجه .....	۱۷۷
<b>پرسش و پاسخ های جرائم در قوانین و مقررات .....</b>	<b>۱۷۹</b>

۱۸۱.....	از قانون مجازات اسلامی
۱۸۴.....	از قانون ثبت اسناد و املاک
۱۸۹ .....	قانون تشدید مجازات مرتكبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری
۱۹۶.....	قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر
۱۹۹.....	منابع و مأخذ



## مقدمه

عمولاً رویه عملی دادگاهها در استنباط از قوانین و مقررات در جهت انطباق با مصاديق واقعی تا حدودی با آنچه در کلاس‌های تئوریک دانشگاهها به دانشجویان حقوق آموزش داده می‌شود، متفاوت است البته روند آموزشی و طریق ارائه مطالب در کلاس‌های درسی هم به شکلی است که برای طی مراحل تحصیلی صرف مطالعه و پاسخ به سؤالات بهصورت تئوری و بدون تطبیق با مصاديق عملی کفايت می‌کند. به این ترتیب عموماً چون امکان انجام کار عملی حین تحصیل در دانشگاه برای دانشجویان این رشته وجود ندارد فارغ‌التحصیلان وقتی مشغول به کار می‌شوند با کمبود آگاهی و اطلاعات از رویه قضائی و شیوه استدلال و استنباط عملی دادگاهها مواجه هستند؛ لیکن اهمیت آگاهی از رویه قضائی با اشتغال به کار و فعالیت بر هیچ فارغ‌التحصیل حقوقی پوشیده نیست. بی‌تردید تنها منبع آموزش عملی وکالت، قضاؤت و بهطورکلی رشته حقوق، قبل از حضور عملی در دادگاهها و جلسات رسیدگی، رویه‌های قضائی می‌باشد؛ به عبارت دیگر، مطالعه تصمیمات، پرسش و پاسخ‌ها و اختلافنظرهای کسانی که هر روز بهصورت عملی در حال انطباق قوانین با مصاديق واقعی هستند می‌تواند اطلاعات کاربردی و عملی را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

اگرچه فارغ‌التحصیلان حقوق بیش از سایرین به مطالعه رویه قضائی نیازمند هستند؛ اما هیچ قشری از جامعه بزرگ رشته حقوق قضائی بی‌نیاز از مطالعه و تحقیق و تفحص در این حوزه علمی نمی‌باشد؛ زیرا رویه قضائی درواقع محرك رشته حقوق است که دائم در حال تغییر و تحول می‌باشد و غفلت از این حوزه موجب عقبماندگی از علم واقعی حقوق و جامعه حقوقدانان خواهد شد. از این رو ناشران تخصصی این حوزه، هر کدام به طریقی نسبت به جمع‌آوری و انسجام‌بخشی به مطالب و موضوعات راجع به رویه قضائی اقدام می‌کنند که انتشارات چراغ دانش نیز در همین راستا و برای انجام بخشی از وظایف فرهنگی خود در نظر دارد نسبت به تدوین و جمع‌بندی مطالب رویه قضائی بهصورت منظم و منحصر به‌فرد با ویژگی‌های مخصوص برای هر دعوا طی یک کتاب جداگانه بهصورت کاربردی و با دسترسی آسان به مطالب هر دعوا اقدام نماید؛ لذا در راستای تأمین این هدف، مجموعه‌ای از کتاب‌ها تحت عنوان کلی «دعاوی در قالب پرسش و پاسخ‌ها» که شامل موارد زیر است تدوین و تألیف خواهد شد:

۱. نشستهای قضائی؛
۲. نظریه‌های مشورتی؛
۳. قوانین و مقررات مرتبط با موضوع؛

«گروه پژوهشی» انتشارات مفتخر خواهد شد از تجربیات، آراء و سایر مطالب حقوقی موجود نزد اساتید، وکلا، حقوقدانان و سایر همکاران در راستای مفیدتر شدن مجموعه در چاپ‌های بعدی استفاده نماید. لذا موجب خرسندی خواهد بود که خوانندگان عزیز از هر صنف ضمن ارسال انتقادات و پیشنهادات خود در مورد هرکدام از موضوعات به صورت (كتبي يا از طریق ایمیل یا تلفنی) ما را در پربار کردن مجموعه حاضر یاری فرمایند.

مدیر مسئول انتشارات  
یک هزار و سیصد و نود و پنج

کتاب اول

پرسش و پاسخ‌های جرم کلاهبرداری



## مبحث اول: جرم کلاهبرداری در نشست‌های قضائی

### ۱. در حکم کلاهبرداری بودن بزه انتقال مال غیر

پرسش: رد مال در انتقال مال غیر، در صورتی که خریدار و صاحب مال هر

دو شاکی باشند یا این که یک نفر از آن‌ها باشد چگونه خواهد بود؟

آقای صدقی (تشکیلات و برنامه‌ریزی قوه قضائیه)

در بزه انتقال مال غیر که در حکم کلاهبرداری است، شخص مال غیر را منتقل می‌کند و از جهت انتقال که به شکل بیع یا صلح... می‌باشد اموال نامشروعی به دست می‌آورد:

الف) چنانچه شکایت توسط خریدار و صاحب مال هر دو مطرح شود، دادگاه در خصوص رد مال نسبت به وجوده یا اموالی که خریدار بابت خرید (مال غیر) پرداخت کرده است به نفع وی انشای حکم می‌کند و در مورد صاحب مال، چنانچه مال مورد کلاهبرداری مال منقول باشد و از تصرف مالک خارج شود دادگاه رد آن مال را به نفع صاحب مال حکم می‌دهد؛ لیکن اگر مال غیرمنقول و سابقه سند رسمی داشته باشد رد مال در مورد مذکور در صورتی مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد که مالک با جعل سند رسمی مال را (ولو ظاهرآ) از اختیار قانونی صاحب مال خارج کند که در این صورت رد مال که همان ملک موضوع شکایت است مورد حکم قرار می‌گیرد؛ اما چنانچه متهم با سند عادی، مال غیرمنقول را منتقل کند چون به مالکیت صاحب مال (دارای سند رسمی) خدشه‌ای وارد ننموده است (ماده ۲۲ قانون ثبت) رد مال (ملک) موضوعیت ندارد، مگر شاکی (صاحب مال) خساراتی را برای اثبات شکایت خود متحمل شده باشد که در این صورت، دادگاه مکلف است نسبت به خسارات متحمل رأی دهد. بدیهی است چنانچه ملک از تصرف مالک خارج گردد دادگاه باید برای رد مال ملک موضوع شکایت را به صاحب آن رد نماید.



ب) چنانچه شکایت توسط یکی از افراد ذی نفع مانند خریدار مال غیر و یا صاحب مال مطرح شود، دادگاه در خصوص رد مال، حسب مورد به شرح فوق اقدام می‌کند.

#### **آقای جوهری (دادگستری نظرآباد)**

**اتفاق نظر همکاران:** در جرم انتقال مال غیر به موجب ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشه و اختلاس و کلاهبرداری قاضی تکلیف دارد ضمن تعیین مجازات، حکم به رد مال صادر نماید و مال باید به مالک قانونی آن مسترد شود. در فرض سؤال وقتی که خریدار و صاحب مال شاکی باشند مبیع به صاحب آن یعنی مالک آن مسترد می‌شود و ثمنی که مجرم (انتقال دهنده مال غیر) اخذ کرده به خریدار مال غیر مسترد می‌شود و در فرضی است که یکی از آنان شاکی باشد حسب مورد اقدام می‌شود به این شرح که وقتی مالک شاکی است مبیع به وی مسترد می‌شود و زمانی که خریدار شاکی است ثمن به وی مسترد می‌شود.

#### **آقای موسوی (مجتمع قضائی شهید بهشتی)**

در دعوی کیفری انتقال مال غیر، اینکه چنین شخصی شاکی خصوصی است. حالات مختلفی متصور است؛ در یک حالت ممکن است شاکی خصوصی صاحب مال (موضوع انتقال به غیر) باشد، در حالت دیگر، شاکی خصوصی ممکن است خریدار مال غیر باشد، در حالت دیگر ممکن است شاکی خصوصی هم صاحب مال و هم خریدار باشند و در حالتی دیگر ممکن است هیچ یک از این دو شاکی خصوصی نباشد؛ چرا که موضوع جنبه عمومی داشته و ممکن است که با دخالت و اظهار مدعی‌العموم دعوی شکل گیرد که البته این حالت به ندرت اتفاق می‌افتد.

حال اگر شاکی خصوصی هر دو نفر صاحب مال و خریدار باشند و مال موضوع انتقال وجود داشته باشد، اصل مال به صاحب آن و ثمن مأخوذه به خریدار مسترد خواهد شد.

اگر شاکی خصوصی صاحب مال باشد و خریدار وجود نداشته باشد و نیز اگر شاکی خصوصی خریدار باشد و صاحب مال وجود نداشته باشد در این که به ترتیب مذکور اصل مال به صاحب مال و ثمن مأخوذه به خریدار مسترد می‌گردد تردیدی نیست مشکل از این جهت است که با توجه به این که صاحب مال شاکی نبوده وجود ندارد و یا فرض اخیر خریدار شاکی نبوده وجود ندارد آیا مرجع کیفری تکلیفی به رد مال یا ثمن دارد؟ به نظر می‌رسد در بین دو گزینه فقدان تکلیف دادگاه کیفری در رد اصل مال یا ثمن در شرایطی که صاحب مال یا خریدار، شاکی نبوده وجود ندارند با این که دادگاه به ترتیب مذکور دستور استرداد اصل مال یا ثمن را صادر کند، گزینه اخیر به عدالت، منطق و اصول حقوقی نزدیک‌تر است؛ زیرا عدل و منطق قبول نمی‌کند در شرایطی که محکوم‌علیه هیچ علقة قانونی و شرعی بر مال ثمن ندارد و تعلق بر مال یا ثمن زمینه‌ساز بزهکاری وی بوده، اجازه دهیم همچنان مال یا ثمن در اختیار وی باشد. در عوض حاکم با اختیار محصله از مقررات عام و به عنوان امین از سوی صاحب مال یا ثمن، آن را از محکوم‌علیه اخذ نموده، وفق ملاک ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ترتیب ضبط و نگهداری آن را تا انتقال به صاحب آن فراهم می‌نماید.

ذکر این نکته ضروری است که دستور رد مال منوط به آن است که عین مال موجود باشد و الا برای مطالبه عین یا مثل یا قیمت آن، صاحب مال ناگزیر به طرح دادخواست می‌باشد و موضوع مشمول ضرر زیان ناشی از جرم می‌شود. (نظریات شماره ۷/۳۸۲۲-۷/۳۸۲۳ و ۱۳۷۶/۶/۲۳ و ۱۳۸۰/۶/۳۱ اداره حقوقی).

#### **آقای جعفری (مجتمع قضائی اطفال)**

رد مال در سؤال، در موارد مختلف متفاوت است. اگر شاکی خریدار مال غیر باشد ثمنی که پرداخت کرده است به او مسترد خواهد شد. اگر شاکی صاحب مال باشد مال به صاحب مال رد می‌شود. اگر شاکی هر دو نفر باشند، رد مال مورد معامله به صاحب مال و رد ثمن معامله به خریدار انجام خواهد شد. اگر خریدار فقط شاکی باشد ثمن به خریدار



مسترد و مال در صورت شناسایی مالک حتی با فرض عدم شکایت او به مالک رد خواهد شد و در صورت عدم شناسایی مالک تا شناسایی او مال به دادسرابه عنوان مرجع نگهداری اموال مجھولالمالک تحويل می شود.

#### آقای سفایی (مجتمع قضائی بعثت)

هرچند در ماده یک قانون راجع به انتقال مال غیر گفته شده که انتقال دهنده کلاهبردار محسوب می گردد؛ لیکن عمل موضوع این قانون با عمل مجرمانه ماده یک قانون تشديد مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری تفاوت دارد. در قانون تشديد، دو طرف، قابل تصور است یکی کلاهبردار که براثر فریب دیگری مالی تحصیل نموده و نفر دوم که مالباخته است و براثر فریب، کلاهبردار مالی به او داده است در حالی که در قانون راجع به انتقال مال غیر سه طرف متصور است: ۱. انتقال دهنده ۲. انتقال گیرنده ۳. مالک تطبیق حکم مقرر در قانون تشديد. این قانون مواجه با این اشکال است که در قانون تشديد منظور از مال موضوع کلاهبرداری مالی است که کلاهبردار براثر جرم تحصیل نموده است؛ بنابراین آنچه اصل است حکم مقرر در ماده یک قانون تشديد، ناظر بر ثمن حاصل فروش است و جزای نقدی نیز معادل همین مال تعیین می شود بنابراین در صورتی که خریدار شکایت نکرده باشد دادگاه تکلیفی بر صدور حکم بر رد مال ندارد.

در فرضی که مالک شکایت نموده با تعبیری که گذشت صرفاً در صورتی مال مورد انتقال موضوع حکم دادگاه قرار می گیرد که مال در اختیار داده باشد و شمول ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی باشد یا حالت دیگر این که خریدار نیز عالم به متعلق به غیر بودن مال باشد که مطابق قانون راجع به انتقال مال غیر مشارالیه نیز به مجازات مقرر در قانون محکوم می شود در این صورت حکم به رد مالی که براثر این معامله به دست آورده صادر و به مالک برگردانده می شود.

در صورتی که هر دو نفر شکایت کرده باشند در صورت وجود مال، مطابق ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی تعیین تکلیف می شود در غیر این صورت چون حکم به رد مال در مورد **کلاهبرداری** صادر و مال فروخته شده نزد او نیست محکومیت او علاوه بر استرداد ثمن به رد مبیع موجه نیست.

#### آقای جعفری رامیانی (قاضی دیوان عالی کشور)

فرض سؤال ناظر بر موردی است که هم صاحب مال که مالش از سوی غیر مورد انتقال قرار گرفته است و هم کسی که مال غیر به واگذار و انتقال یافته (منتقل‌الیه) از ناقل شاکی باشند. در ماده یک قانون تشديد مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و **کلاهبرداری** مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مجازات **کلاهبرداری** عبارت است از تحمل حبس و جزای نقدی و رد مال. عبارت ماده مذکور در آن قسمت که ناظر به تعیین مجازات است بدین شرح است: «... و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است، محکوم می‌شود» در این بخش از ماده، رد اصل مال که نوعاً امری مدنی و حقوقی است بر مجازات حبس و جزای نقدی که امر کیفری است مقدم شده است و همین امر بیانگر آن است که رد اصل مال، از نظر قانون‌گذار موضوعیت دارد.

در صورت احراز اتهام انتقال مال غیر دادگاه باید نسبت به تحويل مال به صاحبش نیز حکم صادر نماید و صاحب مال قاعدهاً شاکی می‌باشد. در فرض سؤال هم صاحب مال (کسی که مالش از سوی غیر به دیگری انتقال یافته) و هم منتقل‌الیه (فردی که مال را انتقال گرفته) از فرد کلاهبردار شاکی هستند، هر دو شاکی که حق و مالشان را کلاهبردار برد، صاحب مال هستند درنهایت اصل مال (مال واگذار و فروخته شده) به فردی که آن مال واقعاً به او تعلق داشته مسترد شده و آنچه ما به ازای آن از منتقل‌الیه



(وجه نقد یا مال) گرفته شه به همین شاکی باید مسترد گردد؛ به عبارت دیگر کلاهبردار (محکوم علیه) مکلف است که اصل مال فروخته شده را به صاحبش و آنچه را که از خریدار دریافت کرده به خریدار تحويل دهد.

#### آقای صالحی (دادگستری فیروزکوه)

**اتفاق آرای همکاران قضائی:** مراد از رد مال در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵/۹/۶۷ ردموال مکتبه در اثر کلاهبرداری است که در موضوع بحث ما همان ثمن اخذ شده از خریدار می‌باشد و در صورت شکایت خریدار مال غیر، دادگاه به رد مال نیز حکم خواهد داد و در صورت عدم شکایت ایشان دادگاه در این خصوص با تکلیفی مواجه نیست و تصریح قانون‌گذار به رد مال در ماده یک قانون مرقوم از باب غلبه وجود و شکایت مال‌باخته در موارد مذکور می‌باشد؛ لیکن در خصوص رد مال فروخته شده از سوی فروشنده مال غیر، دادگاه با تکلیفی مواجه نیست.

#### آقای ناصری صالح‌آبادی (قاضی دیوان عالی کشور)

طبق ماده یک قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب سال ۱۳۰۸ کسی که مال غیر را با علم به این که مال غیر است بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند کلاهبردار محسوب است و کلاهبردار حسب ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ علاوه بر مجازات و جزای نقدی به رد اصل مال به صاحبش نیز محکوم می‌شود.

در فرض سؤال با توجه به نص صریح رد اصل مال به صاحبش، اعم از اینکه صاحب مال و یا خریدار و یا هر دو شاکی باشند با احراز انتقال مال غیر، اصل مال باید به صاحبش برگردد و خریدار با تقدیم دادخواست علیه فروشنده غیر اصل طبق ماده نه قانون مجازات اسلامی وجه پرداختی و ضرر و زیان خود را مطالبه می‌کند.



### آقای امیری (دادسرای تابعیه ۲۹ تهران)

در مورد این سؤال به نظر می‌رسد منظور طراح سؤال این بوده است که آیا برای رد مال به صاحب آن نیازمند تقدیم دادخواست حقوقی هستیم یا خیر؟

در مواد سه‌گانه قانون راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می‌دهند... مصوب ۱۳۰۲ هیچ‌گاه این موضوع اشاره نشده که دادگاه جزایی یا دادسرا، حکم یا دستور به رد مال صادر کند و این امر متبادر به ذهن می‌شود که رد مال به مالک، نیازمند طرح دعوی حقوقی است؛ ولی با دقت در کل اجزای مواد فوق که در آن قید شده مالی را که مالک نیست به دیگر منتقل می‌کند و یا مالی را که مالک نیست به نحو غیرقانونی تملک کند و تصرف خود درآورد تا رد مال (عین یا عوض و خسارات وارده بازداشت خواهد شد. این امر متبادر به ذهن می‌شود که رد مال نیازمند طرح دعوی حقوقی نیست و دادسرا یا دادگاه جزایی می‌تواند دستور به رد مال و خسارات دیگر بدون تقدیم دادخواست حقوقی بنماید، در این قانون اشاره شده در صورت عدم رد عین مال یا عوض و خسارات شخص در بازداشت می‌ماند و درواقع این جزء قانون می‌خواهد نتیجه عدم تمکین از دستور دادسرا و یا دادگاه جزایی را راجع به رد مال ذکر کند و می‌توان گفت عدم ذکر این موضوع حذف به قرینه است.

### آقای میری (دادسرای تابعیه چهار تهران)

نظریه اکثریت همکاران قضائی این است که در هر صورت، اول به صاحب مال مسترد می‌شود و خریدار در صورت داشتن شکایت مستحق بهای پرداختی و یا قیمت روز مال می‌باشد که مستلزم تقدیم دادخواست و البته چنانچه صاحب مال شکایتی نداشته باشد و مراجعه‌ای نکرده باشد و شاکی فقط خریدار باشد مال همچنان در ید خریدار تا حضور صاحب مال و اعلام شکایت شاکی باقی می‌ماند.



### آقای شاه حسینی (دادگستری ورامین)

مطابق ماده یک قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ کسی که مال غیر را با علم به این که مال غیر است بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل نماید، کلاهبردار است و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود. ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مبین تعریف بزه کلاهبرداری است و مطابق این ماده کلاهبردار علاوه بر مجازات حبس، به پرداخت جزای نقدی محکوم می‌شود. با تصویب قانون تشدید مجازات مرتكبین ارتشه و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، مطابق ماده یک قانون گذار اقدام به تعریف مجدد بزه کلاهبرداری نموده است و با این وصف از این جهت (تعریف کلاهبرداری و مجازات آن) باید قانون سابق ماده ۲۳۸ را منسوخ فرض نماییم. در قانون سال ۱۳۶۷، قانون گذار مقرر کرده است کلاهبردار علاوه بر تحمل مجازات حبس و جزای نقدی به رد اصل مال به صاحبش نیز محکوم می‌شود؛ بنابراین تحمل محکومیت کلاهبردار به رد مال در حق صاحب آن از جمله نقطه افتراق قانون جدید با قانون با قانون سابق است.

با عنایت به مراتب فوق و نظر به این که نمی‌توان گفت بزه انتقال مال غیر که خود تعریف جداگانه دارد (ماده یک قانون راجع به انتقال به غیر مصوب ۱۳۰۸) دقيقاً با تعریف کلاهبرداری منطبق است، بلکه صرفاً قانون گذار اعمال مجازات کلاهبرداری را در خصوص کسی که مال غیر را منتقل می‌نماید، مقرر نموده است و نظر به این که ارجاع قانون راجع به انتقال به غیر به ماده ۲۳۸ بوده است و در این ماده مجازات رد مال قید نشده است، بنابراین علی‌الاصول موضوع رد مال اساساً در بزه انتقال مال غیر به مالک منتفی است؛ با آن وصف در پاسخ به سؤال با در نظر گرفتن مباحث فوق باید گفت: اولاً: در فرض وقوع بزه انتقال مال غیر، چنانچه خریدار، شاکی باشد، مالی که مورد



**کلاهبرداری** بوده است، ثمن معامله است و همین ثمن که بدون رضایت خریدار و بدون جواز قانونی درید کلاهبردار قرار گرفته به خریدار مسترد می‌شود؛

ثانیاً: اگر مالک شاکی باشد چون بزه انتقال مال غیر، **کلاهبرداری** نیست (چه این‌که آنچه کلاهبردار با اعمال متقلبانه تصاحب نموده است، ثمن معامله است نه عین مال) بنابراین موظف به اعاده ثمن به خریدار است و مالک جهت وصول عین مال خود یا بدل آن حسب مورد مطابق قواعد غصب، به غاصب رجوع می‌نماید. بدیهی است از این‌مثرا رجوع مالک به شخص کلاهبردار به عنوان اولین ید غاصبانه از باب مقررات غصب و طرح دعوى حقوقی بلامانع است؛ لیکن محکومیت کلاهبردار به رد عین مال به عنوان بخشی از مجازات **کلاهبرداری** در حق مالک موجه به نظر نمی‌رسد؛

ثالثاً: در فرضی که هر دو شاکی باشد حسب آنچه در قسمت اول و دوم آمده است، ثمن به خریدار مسترد می‌شود و مالک به طرح دعوى حقوقی با رعایت مقررات و قواعد حاکم بر غصب ارشاد می‌شود.

#### آقای طاهری (مجتمع قضائی شهید صدر)

با توجه به اینکه در فرض سؤال، عمل مجرمانه **کلاهبرداری** مصور است نسبت به هریک از اعمال متقلبانه باید تجزیه داشته باشیم تا بینیم چه مالی از چه کسی برده شده است؟

اگر شاکی خریدار باشد ثمن باید به خریدار برگرد و چنانچه صاحب مال باشد مال به صاحبش بر می‌گردد. تنها فرض باقی‌مانده این است که اگر با سند رسمی منتقل شده باشد (با مدرک جعلی و طی اعمالی متقلبانه) در مقابل سند رسمی فقط ادعای جعل پذیرفته می‌شود و تا زمانی که از اعتبار نیقتاده باشد قابل استناد است در مجتمع دو نظریه وجود داشت:



۱. عده‌ای معتقد بودند که با تقدیم دادخواست ضرر و زیان از همان مرجع کیفری درخواست ابطال سند رسمی را نمود.
۲. عده دیگری معتقد بودند که دادگاه کیفری صلاحیت ابطال سند رسمی را نداشته و می‌بایستی به دادگاه مدنی مراجعه شود و مجدد از مرجع کیفری درخواست بازگشت مال را نماید. نظر اول در اولویت بود.

#### آقای پورقریبان (دادسرای ناحیه ۱۰ تهران)

با توجه به اینکه فروشنده مال غیر با عملیات متقلبانه خود را به جای مالک معرفی و مال را فروخته است با عنوان **کلاهبرداری** قابل تعقیب است. اگر فقط خریدار شاکی باشد چنانچه صاحب مال شناسایی شده باشد مال به وی تحويل داده خواهد شد؛ هرچند درخواست نکرده باشد. اگر مجهول المالک باشد مطابق ماده ۲۸ قانون مدنی عمل خواهد شد.

نظریه قریب به اتفاق اعضای محترم کمیسیون حاضر در جلسه (۸۷/۸/۹)؛ برای پاسخ به سؤال مذکور سه فرض متصور است:

**فرض اول:** خریدار و صاحب مال هر دو شاکی هستند. در این صورت با اثبات بزه فروش مال غیر، متهم علاوه بر مجازات مندرج در ماده یک قانون تشديد مجازات مرتكبين ارتشاء و اختلاس و **کلاهبرداری** مصوب ۱۳۶۷ به رد مال نیز محکوم خواهد شد؛ یعنی مال فروخته شده به صاحب آن و ثمن موضوع **کلاهبرداری** به خریدار رد می‌شود.

**فرض دوم:** در این فرض خریدار شاکی است. در اینجا نیز متهم، طبق ماده یاد شده مجازات می‌شود و به رد مال محکوم می‌گردد که درنتیجه ثمن معامله موضوع **کلاهبرداری** به خریدار رد می‌گردد و مال موضوع **کلاهبرداری** با توجه به اینکه صاحب آن شکایت نکرده طبق ملاک ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی توسط دادگاه تعیین تکلیف می‌شود.

**فرض سوم:** در این فرض مالک مال شاکی است در این صورت نیز متهم، طبق ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین به مجازات و رد مال محکوم می‌شود اصل مال به صاحب آن (شاکی) رد می‌شود و خریدار چون اعلام شکایت نکرده می‌تواند از طریق حقوقی ثمن مورد معامله و خسارت وارد را مطالبه کند.

توضیح اینکه در همه فروض یاد شده، چنانچه مال فروخته شده، غیرمنقول باشد و با جعل اسناد و مدارک و با تنظیم سند رسمی به خریدار و ایادی دیگر منتقل شده باشد و احیاناً در آن اعیانی و احداث بنا شده باشد، در این صورت اجرای حکم رد چنین ملکی قابل تحقق نیست؛ بلکه مالک آن می‌تواند از طریق حقوقی ابطال اسناد جعلی و خلعید و قلع و قمع بنا را بخواهد.<sup>۱</sup>

## ۲. جعل عنوان داروخانه و خریداری دارو

(الف) متصدی یک داروخانه بوده قصد واگذاری داروخانه به غیر را دارد، کارکنان داروخانه اقدام به خرید آن به صورت سهام می‌کنند (چون این افراد تخصص لازم را از نظر وزارت بهداشت و درمان نداشته‌اند بدون استیزان از وزارت مذکور اقدام به این معامله کرده و درواقع از نظر وزارت بهداشت و درمان هنوز (الف) متصدی داروخانه محسوب می‌شده است) از آنجا که کارکنان داروخانه قادر به پرداخت ثمن معامله نبوده‌اند و به نظر خودشان در معامله باید از اشخاص حقیقی مبالغی را به صورت قرض ربوی دریافت و پرداخت می‌نمودند؛ لذا به فکر می‌افتنند که مقدار زیادی سرنگ که فروش آن به داروخانه سقف محدودی هم نداشته خریداری کرده و در بازار به نرخ نازل تری به فروش برسانند تا این کار جایگزین قرض ربوی گردد؛ لذا شخص (ب) که قبلًاً مسئول خرید داروخانه بوده و از طرف

۱. محمدرضا زندی، *مجموعه دیدگاه‌های حقوقی و قضائی قضات دادگستری استان تهران و مروری بر گزینه قوانین و مقررات سال ۱۳۸۷*، جلد نهم، تهران، جاودانه- جنگل، ۱۳۸۸، صص ۱۵۳ - ۱۶۲.



داروخانه با چک مربوط به داروخانه اقدام به خرید اقلام دارویی می‌کرده این بار تا سقف ۲۵ میلیون تومان به نام داروخانه با مهر داروخانه از شرکت دارو پخش سرنگ می‌خرد و برای ثمن معامله چک شخصی خودش را در وجه شرکت صادر می‌کند در این بین شخص (الف) داروخانه را به طور رسمی به شخص (ج) فروخته و اتفاقاً شخص (ج) با کارکنان قبلی اختلاف پیدا کرده و آن‌ها را از داروخانه اخراج می‌کند.

نکته دیگر اینکه هنگام تحويل سرنگ‌ها شخص (ج) متصدی داروخانه بوده و در مری و منظر ایشان مقداری از سرنگ‌ها تحويل داروخانه شده و بقیه به انباری منتقل می‌گردد؛ ولی از آنجا که سرنگ‌ها متعلق به کارکنان قبلی بوده است توسط آن‌ها به قیمت نازل تری از قیمت خرید در بازار به فروش می‌رسد وقتی شرکت دارو پخش به بانک مراجعه می‌کند با محل خالی چک‌ها مواجه و با اطلاع یافتن از جریان فوق الذکر از اشخاص یاد شده تحت عنوان کلاهبرداری شکایت می‌کند.

**حال سؤال این است که:**

**اولاً: آیا جرمی محقق شده است یا خیر؟**

**ثانیاً: در صورتی که جواب مثبت باشد عنوان جرم ارتکابی چیست؟**

### نظر اکثریت

چون اسناد واقعی بوده و توسل به وسائل متقلبانه و بردن مال غیر مطرح نبوده، لذا کلاهبرداری نیست النهایه صرفاً شخص (ب) مرتکب صدور چک بلا محل شده است و شرکت پخش دارو علاوه بر شکایت به عنوان صدور چک بلا محل برای رسیدن به طلب خویش می‌باشد دادخواست حقوقی تقدیم دارد. البته ممکن است شخص (ب) مرتکب تخلف صنفی شده باشد.

### نظر اقلیت

**نظر اول:** عمل فوق خیانت در امانت است چون شخص (ب) به نام و اعتبار داروخانه اقدام به خرید کرده ولی درواقع اقدام به فروش آن در بازار نموده که نوعی خیانت در امانت است.

**نظر دوم:** کلاهبرداری است چون به نام داروخانه اقدام به خرید نموده یعنی عنوان داروخانه را جعل نموده و در واقع برای شخص خریداری شد، همچنین از مهر داروخانه استفاده شده و فروشنده را به امور واهمی امیدوار کرده لذا عنوان متقلبانه دارد پس کلاهبرداری است.

#### نظر کمیسیون نشست قضائی (۱) جزایی

ماده یک قانون مقررات امور پزشکی و دارویی مصوب سال ۱۳۴۳ ایجاد هر نوع مسئله پزشکی از جمله داروخانه را موكول به اجازه وزارت بهداشتی و اخذ پروانه مخصوص دانسته و در مواد ۴، ۵، ۶، ۱۸ و ۱۹ همین قانون و مواد ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب سال ۱۳۶۷ و تبصره های آن، اشتغال به حرفه داروسازی را بدون داشتن پروانه جرم و مستوجب مجازات می داند و ضوابط تأسیس داروخانه و مقررات مربوط به تهیه و توزیع و فروش دارو بخشی از جرائم و مجازات های مربوط به تخلف از ضوابط قانونی ذکر شده است. در فرض مسئله- هر چند موارد سوالی مبهم و مجمل است از جمله معلوم نیست در صورتی که «الف» داروخانه را به صورت سهام به کارگران آن فروخته، چگونه مجددآ آن را به «ج» واگذار کرده است؛ او لاً: داروخانه ظاهراً با داشتن مجوز قانونی و معرفی مسئول فنی، دایر و تأسیس شده است، با توجه به اینکه «الف» تا هنگام انجام معامله متصدی و مسئول فنی داروخانه بوده و تخلفی از مقررات صورت نپذیرفته است؛ زیرا خرید اضافه داروخانه نیاز به اخذ مجوز خاصی ندارد و متصدی (مسئول فنی) داروخانه، ضرورتاً مالک آن نیست بلکه فعالیت در آن محل و بهره برداری از آن به عنوان داروخانه مستلزم دارا بودن شرایط مقرر